یادداشت

اصلاح آرام‌آرام
فرسایش تدریجی طبقه متوسط

نقدی بر سیاست‌های انرژی و عدالت توزیعی

محمد مقصود: اظهارات اخیر رئیس‌جمهور درباره اصلاح تدریجی قیمت حامل‌های انرژی و اختصاص منابع حاصل به بهبود معیشت، پرسشی اساسی را مطرح می‌کند: آیا اصلاح ناترازی‌ها، بدون توجه به قدرت خرید خانوارها و پیامدهای تورمی تصمیمات، به تحقق عدالت می‌انجامد یا فشار اقتصادی را به گروه‌های بیشتری از جامعه منتقل می‌کند؟ مسئله صرفا افزایش یا تثبیت قیمت انرژی نیست؛ مسئله اصلی، چگونگی توزیع هزینه اصلاحات و تعیین کسانی است که بار اصلی آن را تحمل می‌کنند.

طبقه متوسط؛ حلقه مغفول حمایت‌های اقتصادی

حمایت از خانوارهای کم‌درآمد ضرورتی انکارناپذیر است، اما نباید به نادیده‌گرفتن وضعیت طبقه متوسط بینجامد. کارمندان، معلمان، پرستاران، کارگران متخصص و صاحبان کسب‌وکارهای کوچک، نه از پشتوانه ثروت‌های کلان برخوردارند و نه لزوما از حمایت‌هایی متناسب با کاهش قدرت خریدشان بهره می‌برند. افزایش هزینه مسکن، خوراک، درمان و حمل‌ونقل، در کنار رشد نامتناسب دستمزدها می‌تواند این گروه‌ها را به‌تدریج به مرز فقر برساند. بنابراین، عدالت توزیعی را نمی‌توان صرفا به انتقال منابع به دهک‌های کم‌درآمد محدود کرد. عدالت زمانی تحقق می‌یابد که حمایت از نیازمندان با جلوگیری از فرسایش قدرت خرید طبقه متوسط و حفظ توان اقتصادی گروه‌های مولد جامعه همراه باشد. قیمت‌ها آرام‌آرام، هزینه‌ها شتابان و تدریجی‌بودن اصلاح قیمت‌ها، به‌خودی‌خود مانع آثار تورمی نمی‌شود. در اقتصادی با انتظارات تورمی بالا، حتی اعلام افزایش احتمالی قیمت انرژی می‌تواند پیش از اجرای کامل سیاست، بهانه‌ای برای افزایش زودهنگام قیمت کالاها و خدمات شود؛ درحالی‌که دستمزدها معمولا با همان سرعت و میزان ترمیم نمی‌شوند. در نتیجه، فاصله میان درآمد اسمی و هزینه واقعی زندگی افزایش می‌یابد. اگر جبران کاهش قدرت خرید نیز با تأخیر یا به‌صورت ناکافی انجام شود، اصلاحی که قرار است آرام‌آرام پیش برود، در زندگی خانوارها به فرسایشی مستمر تبدیل خواهد شد. ازاین‌رو، معیار موفقیت اصلاحات نباید صرفا تدریجی‌بودن افزایش قیمت‌ها باشد، بلکه باید آثار آن بر تورم، هزینه تولید، قدرت خرید و رفاه گروه‌های مختلف جامعه سنجیده شود و سازوکار جبران پیامدهای احتمالی آن از پیش مشخص باشد.

ناترازی انرژی؛ فراتر از مصرف مردم

مدیریت مصرف و جلوگیری از اتلاف انرژی ضروری است، اما ناترازی را نمی‌توان صرفا به رفتار مصرف‌کنندگان نسبت داد. بهره‌وری پایین، کیفیت خودروها، ناکارآمدی تولید و توزیع انرژی، ضعف حمل‌ونقل عمومی و ساختارهای معیوب مدیریتی نیز باید در کانون اصلاحات قرار گیرند. وقتی شهروندان با خودروهای کم‌بازده و پرمصرف، گزینه‌های محدود حمل‌ونقل عمومی و هزینه بالای تأمین نیازهای روزمره مواجه‌اند، افزایش قیمت سوخت بدون اصلاح هم‌زمان این ساختارها می‌تواند بار نامتناسبی بر دوش آنان بگذارد. پرسش دیگر این است که چرا اصلاح نظام مالیاتی، مقابله با فرار مالیاتی، کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت و ارتقای بهره‌وری دستگاه‌های اجرائی نباید هم‌زمان با اصلاح قیمت انرژی در اولویت قرار گیرد؟ این نقد به معنای نفی ضرورت اصلاح قیمت‌ها نیست، بلکه تاکید بر این اصل است که اصلاح اقتصادی زمانی منصفانه و پایدار خواهد بود که هزینه آن متناسب با توان پرداخت گروه‌های مختلف توزیع شود و دولت نیز سهم خود را در رفع ناکارآمدی‌ها بپذیرد.

عدالت توزیعی؛ حمایت از نیازمندان، نه نادیده‌گرفتن دیگران

هدایت یارانه‌ها به سوی خانوارهای نیازمند، رویکردی قابل دفاع است؛ زیرا تخصیص یکسان منابع به افرادی با درآمدها و امکانات متفاوت، لزوما عادلانه نیست. بااین‌حال، کالابرگ و کمک‌های مستقیم، حتی اگر درست طراحی شوند، به‌تنهایی پاسخ‌گوی همه مشکلات معیشتی نخواهند بود. باید روشن شود این حمایت‌ها تا چه اندازه کاهش قدرت خرید را جبران می‌کنند و خانوارهایی که اندکی بالاتر از معیارهای برخورداری قرار دارند، چگونه مورد حمایت قرار می‌گیرند. اگر هزینه‌های زندگی افزایش یابد اما معیارهای حمایتی با وضعیت واقعی خانوارها تناسب نداشته باشد، بخشی از جامعه در فاصله میان برخورداری از حمایت و توان تحمل هزینه‌ها گرفتار خواهد شد. عدالت اجتماعی مستلزم حمایت بیشتر از نیازمندان است، اما نباید به تقابل میان فقرا و طبقه متوسط بینجامد. مسئله، رقابت این دو گروه بر سر منابع محدود نیست، بلکه طراحی سیاستی است که ضمن حمایت از آسیب‌پذیرترین افراد، از گسترش فقر و فرسایش بنیان‌های اقتصادی طبقه متوسط جلوگیری کند. فقر و مسئولیت دولت فقر فقط کاهش درآمد نیست، بلکه می‌تواند قدرت انتخاب، مشارکت اجتماعی و امکان دفاع از حقوق فرد را نیز تضعیف کند. ازاین‌رو، سیاست اقتصادی را نباید صرفا با میزان صرفه‌جویی دولت یا حجم منابع جابه‌جاشده سنجید؛ آثار آن بر امنیت اقتصادی خانوارها، امید اجتماعی و احساس عدالت نیز اهمیت دارد. وقتی شهروندان احساس کنند هزینه اصلاحات بر دوش آنان قرار گرفته اما ناکارآمدی‌های ساختاری و امتیازات ناعادلانه همچنان پابرجاست، اعتماد عمومی آسیب می‌بیند. در مقابل، شفافیت در تخصیص منابع، پاسخ‌گویی درباره نتایج سیاست‌ها و توزیع منصفانه هزینه‌ها می‌تواند همراهی جامعه با اصلاحات ضروری را تقویت کند. اصلاح از کجا باید آغاز شود؟ ناترازی انرژی و محدودیت منابع عمومی را نمی‌توان نادیده گرفت. اصلاح الگوی مصرف، کاهش اتلاف و بازنگری در تخصیص یارانه‌ها ضروری است؛ اما ضرورت اصلاح، مجوز نادیده‌گرفتن پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن نیست.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

از «یکی بود، یکی نبود» تا غربت ژنو

ادامه از صفحه اول

جمال‌زاده همچنین آثاری از شیلر، مولیر، ایبسن و گوبینو را به فارسی برگرداند و در ترجمه‌هایش گاه با تصرفاتی ذوقی، متن را با ذوق خواننده ایرانی هم‌آهنگ می‌کرد. جمال‌زاده در دامان خانواده‌ای پرورش یافت که با خون آزادی‌خواهی عجین بود. پدرش، سیدجمال‌الدین واعظ‌اصفهانی، از خطیبان نامدار و آزادی‌خواهان دوران مشروطیت بود که در راه آرمان‌های خود و در راه مبارزه با استبداد، جان خویش را بر کف دست نهاد و به دستور حکومت وقت به شهادت رسید. این میراث مبارزه، در جان محمدعلی نیز ریشه دواند و او را در جوانی به جرگه ملیون و روشنفکران پیوند داد. اگر به نقش پدر جمال‌زاده در جنبش مشروطه اشاره کنیم، باید گفت سیدجمال‌الدین از چهره‌های فعال و متهم به ازلی‌مسلکی بود که در برافروختن شعله‌های آگاهی و اعتراض علیه استبداد قاجار نقش انکارنشدنی‌ای داشت. ازلیان به‌عنوان یکی از گروه‌های فعال در جنبش مشروطه، با بهره‌گیری از انجمن‌های مخفی و انتشار شب‌نامه‌ها، در گسترش مطالبات عدالت‌خواهانه و کاستن از نفوذ استبداد کوشیدند و در تدارک فضای سیاسی منتهی به انقلاب مشروطه، حضوری پررنگ داشتند. پدر جمال‌زاده نیز روحانی خوشنام و پرآوازه‌ای بود که در همین مسیر، با منبر و قلم خود، صدای حق‌طلبی را به گوش مردم رساند و سرانجام در همین راه، خون خویش را نثار کرد. اکنون سال‌ها پس از آن روزهای پرشور، در سالروز درگذشت محمدعلی جمال‌زاده، یاد او را گرامی می‌داریم. جمال‌زاده آرزوی آرمیدن در کنار زاینده‌رود و تخت فولاد اصفهان را در سر داشت، اما تقدیر او را در غربت ژنو به خاک نشاند. با این حال، روح او در تک‌تک آثار و واژگانی که آفرید و در دل هر ایرانی که داستان‌هایش را خوانده، زنده است. یادش گرامی و راهش همواره پُررهرو باد.



عکس: احمد ظهرابی، ایسنا

گزارش «شرق» از خسارت بارندگی‌ها و اجرانشدن برنامه‌های پیشگیری از سیلاب در تهران و سایر استان‌ها

از باران تا بحران؛ روایت یک غفلت تکراری

محمدحسین موسوی: شانزدهم و هفدهم آبان‌ماه باران بارید و چشم‌انتظاری مردم «تهران» برای یک روز بارانی واقعی به پایان رسید. اما نتیجه این بارش ممتد و طولانی، داشتن تنها چند روز بارانی نبود؛ بسته‌شدن راه‌ها، جاری‌شدن وسیع آب در خیابان‌ها، آسیب به برخی زیرساخت‌های شهری و حتی آسیب‌دیدگی برخی شهروندان، نتیجه مدیریت‌نکردن این روزهای بارانی در کلان‌شهری مثل «تهران» بود. خانه‌ای در خیابان «خاوران» به علت بارش‌های اخیر ریزش کرده و مرد ۸۳ساله‌ای از دنیا رفته است، اتوبوس حامل اعضای یک تیم بسکتبال دختران در مسیر تهران چپ کرده و برخی بازیکنان و سرمربی تیم آسیب دیده‌اند و به گفته روابط‌عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ریزش سنگ در این دانشگاه باعث آسیب به یک خودرو شده است. همین‌طور گزارش‌های شهروندان در فضای مجازی نشان می‌دهد خیابان‌های زیادی در شهر با مشکل آب‌گرفتگی مواجه شده‌اند و تردد تبدیل به معضلی بزرگ شده است. «پدرام قودجانی»، رئیس مرکز هماهنگی عملیات اضطراری سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، شنبه‌شب، ۱۶ آبان، درباره آخرین خسارات برآمده از بارندگی گفته بود: «در مجموع، در سطح شهر تهران ۲۲ نقطه آب‌گرفتگی شناسایی شد. همچنین ۴۳ مورد آب‌گرفتگی در معابر و واحدهای مسکونی و تجاری، ۱۳ مورد سقوط درخت و چهار مورد پارگی کابل برق گزارش شده است». آماری که با توجه به آنچه شهروندان تهران روایت کرده‌اند، حداقلی است که معضل‌های کوچک و بزرگ موجود در خیابان‌ها و کوچه‌های محل تردد مردم را نادیده می‌گیرد. این وضعیت تنها در تهران حاکم نیست؛ بارش باران در حداقل ۱۵ استان باعث بروز حوادث مختلفی از سیل تا قطعی برق شده است. «علی اعطا» معتقد است وضعیت بحرانی حاضر را باید در پرتوی این مسئله خواند که در فاصله بحران پیشین و بحران فعلی چه اقداماتی صورت گرفته است؛ اقداماتی که آن را باید در دل نظام تصمیم‌گیری، طرح‌های شهرسازی و مصوبات بالادستی دید.

یک طرح ۲۰ ساله

«طرح جامع تهران» در سال ۱۳۸۶ به‌عنوان سند اصلی مدیریت و توسعه شهر تهران تصویب شد. در این سند، چارچوبی برای ایمن‌سازی شهر پیشنهاد شده است که حالا پس از گذشت نزدیک به ۲۰ سال، همچنان به شکل کامل به اجرا نرسیده و از سال ۱۴۰۳ نیز با تشکیل شورایی مشترک با حضور نمایندگان وزارت راه، شهرداری و شورای شهر، فرایند بازبینی در آن شروع و قرار شده است تا سال ۱۴۰۶ خروجی این بازنگری اعلام شود. در طرح سال ۱۳۸۶ با تأکید بر «سیل‌خیز»بودن تهران و اشاره به نمونه‌هایی تاریخی مانند سیل دربند و امامزاده داوود، راهبردهایی ارائه شده است. در بخش اول این راهبردها، سامان‌دهی رودره‌های تهران و آزادسازی حریم رودخانه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است؛ همین‌طور توسعه کانال‌های زیرزمینی و حوضچه‌های کنترل جریان سیلاب از اقدامات لازم شمرده شده و در نهایت نیز نصب پایشگرهای بارندگی و ایجاد سیستم هشدارسریع به شهروندان و مدیران شهری در این سند به‌عنوان راهبرد ارائه شده است. اما حالا در سال ۱۴۰۵ هیچ‌کدام از این اقدامات به شکل کامل انجام نشده‌اند. تلاش‌های شرکت آب منطقه‌ای تهران و نهادهای دیگر برای تملک حریم رودخانه‌ها و تخریب ساخت‌وسازهای غیرمجاز به علت تخلفات انباشته‌شده و ارزش بالای زمین‌ها در این مناطق، کُند و سخت شده است. برخلاف تأکید «طرح جامع تهران» به توسعه شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی تهران تا ۷۰۰ کیلومتر، در حال حاضر تنها حدود ۴۵۰ کیلومتر شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی در شهر تهران توسعه یافته و در نهایت نیز «سامانه هشدارسریع سیل» هنوز به مرحله یکپارچگی و پوشش تمام مناطق و اعلام لحظه‌ای خطر به شهروندان نرسیده است. به عبارتی، طرحی که ۲۰ سال طبق قانون در دست اجرا بود، هنوز نمود عینی نیافته که بازنگری در آن شروع شده است.

یک ایران در باران و بحران‌هایش

وضعیت بحرانی بارش باران تنها در تهران حاکم نیست؛ طبق گفته‌های «محمدحسین کبادی»، معاون عملیات سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر، بارش‌ها در برخی استان‌ها مانند کرمانشاه، ایلام، زنجان، بوشهر، مرکزی، اصفهان، مازندران، اردبیل، گیلان و تمام مناطق قرارگرفته در دامنه‌های جنوبی البرز، به‌شدت ادامه دارد و خطر سیل، آب‌گرفتگی، طغیان رودخانه‌ها و آسیب به شبکه‌های گاز، برق و مخابرات وجود دارد. جز این استان‌ها، لرستان، کردستان، خوزستان، چهارمحال‌وبختیاری و کهگیلویه‌وبویراحمد نیز طبق پیش‌بینی سازمان هواشناسی در اواسط هفته گذشته شاهد بارش سنگین و آب‌گرفتگی معابر هستند. نتیجه این بارش سنگین هنوز به‌طور کامل مشخص نیست، اما طبق اندک اخبار موجود، در استان لرستان بارش باران منجر به قطع برق صد روستا شده و راه دسترسی به ۱۵۸ روستا نیز بسته شده است. همین‌طور مناطقی در ایلام، البرز، محلات استان مرکزی و کوهرنگ چهارمحال‌وبختیاری دچار سیل‌زدگی شده‌اند. به گفته «مجتبی لشگری»، سخنگوی سازمان اورژانس کشور، در سه روز اخیر چهار کشته و ۱۱ زخمی به علت حوادث جوی مانند ریزش نمای ساختمان، سقوط درخت، تصادف و... ثبت شده است و در حوادث جاده‌ای نیز ۲۱ نفر کشته و ۵۳۴ نفر زخمی شده‌اند. همین‌طور «۱۳۲ تیم در قالب ۴۵۲ نیروی عملیاتی در ۵۳ منطقه درگیر حادثه، به هزارو ۲۵۶ نفر متأثر از این حوادث جوی، خدمات امدادی ارائه کرده‌اند». هرچه باشد، بارش باران در ایران تنها به ثبت لحظات زیبا و دل‌انگیز و کمک به کنترل کم‌آبی ختم نشده؛ مدیریت لحظه‌ای و بی‌برنامه این بارندگی‌های قابل پیش‌بینی، خسارات زیادی به شهر و شهروندان زده است.

تهران در محاصره آب‌های روان و غفلت ساختاری



«علی اعطا»، عضو پیشین شورای اسلامی شهر تهران و مشاور وزیر راه و شهرسازی، با تأکید بر سهم توسعه شهری در تشدید مخاطرات می‌گوید: «من از منظر شهرسازی و تجربه سیاست‌گذاری شهری به این موضوع نگاه می‌کنم. به نظرم در شهری مثل تهران، بخش مهمی از مسئولیت پیشگیری و کاهش خطرپذیری بر عهده نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شهرسازی است. دلیلش هم روشن است؛ بخش درخور توجهی از آسیب‌پذیری شهر در فرایند توسعه شهری شکل می‌گیرد. تصمیم‌هایی که درباره محل و شدت ساخت‌وساز، استقرار جمعیت و فعالیت، شبکه معابر و زیرساخت‌ها گرفته می‌شوند، می‌توانند خطرپذیری شهر را کاهش دهند یا بر آن بیفزایند. دو شهر ممکن است بارندگی یا زمین‌لرزه‌ای با شدت مشابه را تجربه کنند، اما پیامدهای بسیار متفاوتی داشته باشند. بخشی از این تفاوت به کیفیت برنامه‌ریزی شهری و میزان آسیب‌پذیری کالبدی و اجتماعی آنها برمی‌گردد. از این منظر، پیشگیری و کاهش خطر یعنی تلاش کنیم آسیب‌پذیری‌های موجود را کاهش دهیم و با تصمیم‌های جدید بر آنها اضافه نکنیم. واکنش هم اهمیت خودش را دارد؛ از هشدار و آماده‌باش تا امدادرسانی و بازگرداندن خدمات شهری. با این حال، توان واکنش هرقدر هم بالا باشد، نمی‌تواند همه پیامدهای تصمیم‌های نادرست در توسعه شهر را جبران کند». «اعطا» بحران را مسئله‌ای طبقاتی و فضایی تعریف می‌کند: «نکته مهم، توزیع نابرابر خطر در شهر است. مخاطرات طبیعی برای همه شهروندان پیامد یکسانی ندارند. کیفیت ساختمان‌ها، وضعیت زیرساخت‌ها، دسترسی به خدمات اضطراری و توان اقتصادی خانوارها در میزان آسیب و امکان بازگشت به زندگی عادی مؤثرند. به همین دلیل، مدیریت بحران با عدالت فضایی و حقوق شهروندی هم ارتباط مستقیم دارد. به نظرم یکی از معیارهای مهم مدیریت بحران، این است که ببینیم شهر در گذر زمان چقدر ایمن‌تر شده و آیا این افزایش ایمنی، به‌ویژه در محلات و میان گروه‌های آسیب‌پذیرتر، اتفاق افتاده است یا خیر». عضو سابق شورای شهر، آب‌گرفتگی تهران در این روزها را در نسبت با توپوگرافی، مداخلات ساختمانی و فلج‌شدن شبکه معابر می‌داند: «بدون بررسی اطلاعات بارندگی و وضعیت شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی نمی‌توانم قضاوت دقیقی داشته باشم، اما از منظر شهرسازی چند مسئله شایان توجه است. تهران در دامنه البرز توسعه پیدا کرده و شیب عمومی شهر و مسیرهای طبیعی حرکت آب، ویژگی مهمی در شکل‌گیری آن بوده‌اند. در طول دهه‌های گذشته هم با گسترش ساخت‌وساز و افزایش سطوح نفوذناپذیر، نحوه حرکت و تجمع رواناب‌ها تغییر کرده است. از طرف دیگر، مداخلات عمرانی و توسعه شبکه معابر نیز بر مسیر حرکت آب تأثیر گذاشته‌اند. اینجا باید به رابطه میان مدیریت رواناب و نظام حمل‌ونقل شهری هم توجه کنیم. اثرات آب‌گرفتگی یک زیرگذر یا بزرگراه، ممکن است فراتر از همان نقطه باشد. وقتی یکی از مسیرهای اصلی از دسترس خارج می‌شود، ترافیک به شبکه معابر اطراف منتقل می‌شود، زمان سفر افزایش پیدا می‌کند و حتی دسترسی خودروهای امدادی با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین، باید آسیب‌پذیری شبکه حمل‌ونقل را هم در ارزیابی خطر سیلاب در نظر گرفت». او به تجارب دیگر کشورها اشاره می‌کند: «در بسیاری از شهرها رویکرد مدیریت رواناب در حال تغییر است. در گذشته، تأکید عمدتا بر جمع‌آوری و انتقال سریع آب بود. امروز در کنار این اقدامات، از ظرفیت فضاهای شهری برای نگهداشت موقت و هدایت کنترل‌شده رواناب هم استفاده می‌شود. برای مثال، کپنهاگ پس از بارندگی شدید و خسارت‌بار سال ۲۰۱۱، برنامه‌ای بلندمدت با حدود ۳۰۰ پروژه تدوین کرد که هنوز هم ادامه دارد. بخشی از این برنامه به بازطراحی خیابان‌ها، میدان‌ها و پارک‌ها اختصاص دارد؛ به‌گونه‌ای که این فضاها در شرایط عادی کارکرد معمول خود را داشته باشند و هنگام بارندگی شدید در مدیریت رواناب نیز نقش ایفا کنند. این تجربه از این رو جالب است چون مسئله سیلاب را به موضوع طراحی و توسعه شهری پیوند می‌دهد. البته شرایط طبیعی و کالبدی تهران با کپنهاگ متفاوت است. اما می‌توان بررسی کرد در تهران، به‌ویژه در پروژه‌های جدید و بازطراحی فضاهای عمومی، چه ظرفیتی برای چنین رویکردهایی وجود دارد». «علی اعطا» به «طرح جامع تهران» اشاره می‌کند، طرحی که از نظر او به شکل درست و کامل محقق نشده است: «در طرح جامع تهران که در سال ۱۳۸۶ تصویب شد، ایمنی شهر در برابر سوانح طبیعی و بهبود نظام مدیریت بحران، در زمره راهبردهای اصلی قرار گرفت. بنابراین، موضوع در سند اصلی برنامه‌ریزی شهر مورد توجه بوده. اما پرسش مهم، میزان تحقق این راهبردهاست. این موضوع محدود به مدیریت بحران هم نیست. فاصله میان اهداف مصوب و تصمیم‌ها و اقداماتی که در عمل اتفاق می‌افتد مطرح است. ممکن است جهت‌گیری‌های یک سند درست باشد، اما در مرحله اجرا به دلایلی مانند محدودیت منابع، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر یا اولویت‌های کوتاه‌مدت، تحقق آن با مشکل مواجه شود. در تهران هم طی این سال‌ها مطالعات و اقداماتی برای شناسایی مخاطرات و افزایش ایمنی انجام شده. اما برای ارزیابی میزان تحقق راهبردهای طرح جامع، باید به نتایج نگاه کنیم. مثلا ببینیم وضعیت ساخت‌وساز در پهنه‌های پرخطر چگونه تغییر کرده، دسترسی اضطراری در محلات متراکم چه اندازه بهبود یافته و چه اقداماتی برای کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی انجام شده است». او بار دیگر بر شاخص عدالت فضایی در سنجش برنامه‌های مدیریت شهری دست می‌گذارد و ضرورت آسیب‌شناسی گذشته پیش از هر بازنگری را یادآور می‌شود: «از منظر عدالت فضایی نیز یک پرسش مهم وجود دارد: اینکه منابع و اقدامات ایمن‌سازی چگونه در سطح شهر توزیع شده‌اند؟ محلات کمتر برخوردار که ممکن است هم از نظر کیفیت ساختمان‌ها و هم دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها آسیب‌پذیرتر باشند، چه سهمی از برنامه‌های کاهش خطر داشته‌اند؟ به نظرم این موضوع باید یکی از معیارهای ارزیابی تحقق برنامه‌های ایمنی شهر باشد. درباره بازنگری طرح جامع هم با توجه به گذشت نزدیک به دو دهه از تصویب آن، به‌روزرسانی مطالعات و راهبردها ضرورت دارد. اما باید ابتدا روشن شود کدام سیاست‌ها اجرا شده‌اند، کدام‌ها اجرا نشده‌اند و چرا. تهیه سند جدید، بدون رفع موانع تحقق برنامه‌های قبلی، لزوما به بهبود وضعیت منجر نمی‌شود». از نظر سخنگوی سابق شورای شهر، باید میان اقدامات مدیریتی و اجرایی در کنترل بحران، تفاوت قائل شد: «من ترجیح می‌دهم درباره عملکرد عملیاتی شهرداری در بارندگی‌های اخیر، بدون دسترسی به گزارش‌های دقیق و ارزیابی کارشناسی، قضاوت قطعی نکنم. طبیعتا نیروهای خدمات شهری، آتش‌نشانی و سایر مجموعه‌های عملیاتی در چنین شرایطی مسئولیت دشواری دارند و تلاش آنها برای بازگرداندن وضعیت عادی اهمیت زیادی دارد. اما از منظر مدیریتی، چند نکته را می‌توان مطرح کرد. نخست اینکه در ارزیابی عملکرد، باید به اقدامات پیش از بارندگی هم توجه کنیم. اگر نقطه‌ای از شهر سابقه مکرر آب‌گرفتگی دارد، باید دید آیا علت آن شناسایی شده و برای رفع مشکل، برنامه مشخصی وجود داشته است یا خیر. دیگری، مسئله هماهنگی دستگاه‌هاست. مدیریت رواناب، نگهداری شبکه معابر، مدیریت ترافیک و امدادرسانی، مسئولیت‌های متفاوتی دارند که میان بخش‌های مختلف شهرداری و دستگاه‌های دیگر توزیع شده‌اند. کیفیت هماهنگی میان این بخش‌ها اهمیت زیادی دارد. حفظ دسترسی ایمن شهروندان هم باید مورد توجه باشد. برای مثال، وقتی معبری دچار آب‌گرفتگی می‌شود، موضوع فقط عبور خودروها نیست. وضعیت پیاده‌روها، دسترسی به ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و امکان تردد سالمندان و افراد دارای معلولیت نیز اهمیت دارد. نکته دیگر، ضرورت یادگیری از حوادث است. به نظرم شهرداری باید پس از بارندگی‌های شدید، گزارشی روشن از نقاط دچار مشکل، علت اختلال و اقدامات اصلاحی منتشر کند. این گزارش‌ها کمک می‌کنند عملکرد مدیریت شهری در طول زمان ارزیابی شود». مشاور وزیر راه و شهرسازی، ریشه اصلی کاستی‌ها را در شیوه توزیع بودجه و فرایند تصمیم‌گیری مدیران شهری دانسته و به بازخوانی تجارب دوره پنجم شورا که عضو آن بود، می‌پردازد: «در دوره شورای پنجم، یکی از دغدغه‌های ما این بود که ملاحظات ایمنی و کاهش خطر، جایگاه مؤثرتری در تصمیم‌های توسعه شهری پیدا کنند. این دغدغه همچنان وجود دارد. البته بخش مهمی از آسیب‌پذیری‌های تهران طی چند دهه شکل گرفته و کاهش آنها نیز نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و استمرار سیاست‌هاست. فرض کنید مطالعات نشان داده محدوده‌ای از شهر در برابر زلزله یا سیلاب آسیب‌پذیری بالایی دارد. اگر این شناخت در تصمیم‌های مربوط به ساخت‌وساز، تغییر کاربری، توسعه زیرساخت‌ها و تخصیص منابع اثر نگذارد، ظرفیت پیشگیری محدود می‌ماند». «اعطا» می‌گوید چهار جهت‌گیری حیاتی وجود دارد که باید مبنای اقدامات حوزه شهرسازی قرار گیرند: «از نظر من، در حوزه شهرسازی چند جهت‌گیری مشخص باید دنبال شود. نخست اینکه افزایش تراکم و تغییر کاربری، به‌ویژه در تصمیم‌های موردی و بارگذاری‌های بزرگ، به ارزیابی ظرفیت زیرساخت‌ها و آثار آن بر خرپذیری محدوده مشروط شود. تصمیم‌هایی که بدون توجه به این ملاحظات، آسیب‌پذیری جدیدی ایجاد می‌کنند، باید اصلاح یا از تصویب آنها خودداری شود. دوم اینکه حفاظت از مسیرهای طبیعی آب و پهنه‌های سیلابی باید در ضوابط و تصمیم‌های شهرسازی جدی‌تر گرفته شود. ساخت‌وسازهای ناسازگار در بستر و حریم قانونی رودخانه‌ها و مسیل‌ها باید کنترل شوند و در پروژه‌های جدید، ظرفیت فضاهای باز و عمومی برای مدیریت رواناب مورد توجه قرار گیرد. سوم اینکه در ارزیابی پروژه‌های مهم شهری و حمل‌ونقل، باید تاب‌آوری شبکه در شرایط اختلال هم بررسی شود. برای مثال، اگر یک مسیر شریانی بر اثر آب‌گرفتگی مسدود شود، آیا دسترسی جایگزین مناسبی وجود دارد؟ آیا دسترسی به مراکز درمانی و خدمات امدادی حفظ می‌شود؟ این ملاحظات باید پیش از تصویب و اجرای پروژه‌ها بررسی شوند. چهارم، در برنامه‌های کاهش خطر باید عدالت فضایی مبنای اولویت‌بندی قرار گیرد. محله‌ای که هم در معرض مخاطره بالاتری قرار دارد و هم از ساختمان‌های کم‌دوام، زیرساخت‌های ضعیف و دسترسی محدود به خدمات برخوردار است، طبیعتا باید در تخصیص منابع و مداخلات ایمن‌سازی اولویت بیشتری داشته باشد. توزیع برابر منابع میان مناطق، الزاما به معنای توزیع عادلانه آنها نیست». «علی اعطا» در پایان با تأکید بر لزوم حاکمیت عقلانیت مستمر و فرابخشی در مدیریت پایتخت، سخنان خود را با این پرسش بنیادین به پایان می‌برد: «اجرای این سیاست‌ها نیازمند هماهنگی میان نهادهای مختلف است. سازمان مدیریت بحران می‌تواند مخاطرات را شناسایی کند، اما نتایج این شناخت باید در تصمیم‌های مراجع شهرسازی، برنامه‌های عمرانی و نظام بودجه‌ریزی اثرگذار باشد. همچنین برنامه‌های کاهش خطر باید مسئولیت، زمان‌بندی و منابع مشخص داشته باشند و با تغییر مدیران متوقف نشوند. به نظرم یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که باید از مدیریت شهری در هر دوره‌ای پرسید این است که در فاصله میان دو بحران چه اتفاقی افتاده است؛ چه خطرهایی کاهش یافته، چه تصمیم‌هایی اصلاح شده و شهر برای چه کسانی ایمن‌تر شده است».

باران ادامه خواهد داشت

باران قطع نیز نخواهد شد. بر اساس آخرین اطلاعات ارائه‌شده توسط سازمان هواشناسی کشور، این شرایط جوی تا سه‌شنبه در استان‌های مازندران، گلستان، خراسان شمالی، خراسان رضوی و شمال خراسان جنوبی، تا چهارشنبه در بوشهر، فارس، کرمان، جنوب خوزستان، کهگیلویه‌وبویراحمد، هرمزگان، جنوب خراسان رضوی، شمال خراسان جنوبی، ارتفاعات در استان‌های قزوین، البرز، تهران و تا پنجشنبه در خراسان شمالی، خراسان رضوی، ارتفاعات سمنان، جنوب سیستان‌وبلوچستان و هرمزگان تداوم خواهد داشت.